

معرفی کتاب «ذخیره الصالحین»

اثر چاپ نشده‌ای از مرحوم آیت الله شیخ محمدرضا طبسی

○ محمدعلی مروّجی طبسی*

مقدمه

کتاب «ذخیره الصالحین فی شرح تبصرة المتعلمین» اثر فقیه پارسا آیت الله العظمی شیخ محمدرضا طبسی نجفی، شرحی مزجی و استدلالی بر «تبصرة المتعلمین» علامه حلی است. این موسوعه فقهی، یک دوره کامل فقه استدلالی است که نگارش و تألیف آن بیست و پنج سال طول کشید. نسخه خطی این اثر ارزشمند، هم اکنون به وسیله برخی محققان حوزه در حال تصحیح، تحقیق و تخریج مصادر است که ان شاء الله به زودی به زیور طبع آراسته و تقدیم مجامع علمی و حوزوی خواهد شد. در این نوشتار ابتدا به اختصار به زندگینامه و معرفی شخصیت و جایگاه علمی نویسنده این کتاب می پردازیم و سپس با بررسی توصیفی این اثر ماندگار، شیوه و سبک تألیف آن را تبیین می کنیم.

* طلبه درس خارج و کارشناس ارشد علوم حدیث. a.tabasi110@yahoo.com

شیخ محمدرضا بن عباس بن علی بن الحسن مشهور به مروّج طبسی در ۱۸ شعبان ۱۳۱۷ هـ. ق برابر با ۱۲۷۷ هـ. ش در مشهد الرضا(ع) هنگامی که والدینش از طبس به زیارت ثامن الحجج(ع) آمده بودند، چشم به جهان گشود. پدر او مرحوم شیخ عباس، مردی فاضل و در دیار خود به صلاح و تقوی معروف بود. مرحوم شیخ عباس فرزندش محمد رضا را از همان کودکی با سحرخیزی و مسجد آشنا کرد و پیش از اذان صبح او را برای شرکت در نماز به مسجد جامع طبس می برد.^۱

آیت الله شیخ محمدرضا طبسی افزون بر جایگاه والای علمی در بعد عمل و اخلاق از نوادر زمان خود به شمار می رفت. تعابیر بلندی که در باره او از علمای برجسته آن دوران صادر شده مانند: «الصفی الزکی المؤمن» از مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی^۲، «محرور رحی التقوی و الحلم» از شیخ ضیاء الدین عراقی^۳ و «الورع التقی» از آقا بزرگ تهرانی^۴ و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء^۵ و تعابیر دیگری نظیر آن، نشان از مقام و منزلت معنوی این عالم ربّانی دارد.

شخصیت علمی

آیت الله طبسی حیات علمی خود را پیش از پانزده سالگی آغاز کرد. وی در این مدت مبادی اولیه را در طبس نزد پدر خود شیخ عباس و نیز نزد سید محمد علی، معروف به «میرزا جعفر» فراگرفت و سپس به امر پدرش برای خوشه چینی و

۱. طبسی، مقدمة التحقیق منیة الراغب فی ایمان ابی طالب(ع)، ص ۱۱-۱۲؛ پورامینی،

نگرشی کوتاه بر زندگی پربار حضرت آیه الله طبسی(ره)، ص ۶-۷.

۲. طبسی، مقدمة التحقیق منیة الراغب فی ایمان ابی طالب(ع)، ص ۱۵.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

بهره گیری از تجارب عالمان توانمند معقول و منقول مراکز مهم علمی سفر کرد و^۶ در سال ۱۳۳۷ هـ. ق در سن پانزده سالگی، به مشهد مقدس هجرت نمود. او در آنجا علوم ادبی را نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و بخشی از مراحل درس سطح حوزه را مانند شرح لمعه و معالم نزد سید محمد باقر مدرس و شیخ کاظم دامغانی گذراند. سپس در سن هجده سالگی به قم آمد و با حضور در حلقه درس علمای نامدار و توانایی چون میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، شیخ محمد علی شاه آبادی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی در مدت هفت سال، با همت و تلاشی تحسین برانگیز، از خوان گسترده علمی و معنوی آنان بهره های فراوان جست. پس از دریافت اجازه اجتهاد از آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه قم)، در سن ۲۵ سالگی، رهسپار نجف اشرف شد و از محضر استوانه های پرآوازه فقه آن دیار همچون سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی استفاده کرد. مرحوم طیبی در مدت اقامت خود در نجف اشرف، از ملازمان و مریدان خاص سید ابوالحسن اصفهانی و از اعضاء اصلی گروه استفتای ایشان شده بود.^۷

اساتید و شاگردان

در ادبیات، فقه، اصول، تفسیر، عرفان و فلسفه از اساتید بسیاری بهره برد، از جمله:

۱- ادبیات: شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری؛

۲- فقه: میرزا علی یشربی کاشانی (مکاسب)، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

(ریاض المسائل)، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، میرزای نائینی، آقا ضیاء الدین

۶. همان، ص ۱۲؛ امین، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۰.

۷. طیبی، منیة الراغب، ص ۱۳؛ امین، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۰.

عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا علی ایروانی؛

۳- اصول: شیخ کاظم دامغانی (معالم)، میرزا محمد حسین شهرستانی (قوانین)، سید محمد تقی خوانساری (رسائل)، میرزای نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی؛

۴- کلام و تفسیر: علامه شیخ محمد جواد بلاغی؛

۵- فلسفه و عرفان: میرزا علی اکبر یزدی، سید ابو الحسن رفیعی قزوینی (اسفار)، شیخ محمد علی شاه آبادی (فصوص الحکم)، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (اخلاق و سیر و سلوک).^۸

همچنین در میان دست پروردگان و شاگردان وی می توان از کسانی چون شیخ مرتضی حائری یزدی (فرزند مؤسس حوزه علمیه قم)، میرزا علی نقی منزوی (فرزند آقا بزرگ تهرانی)،^۹ شهید صدوقی، علی دوانی (مورخ مشهور)، سید جمال خوئی، سید ابراهیم حجازی، سید جعفر بهبهانی و افراد دیگری که بالغ بر پنجاه نفر می شوند، نام برد.

تالیفات

علامه شیخ محمد رضا طبسی نزدیک به پنجاه عنوان کتاب در موضوعات متنوعی چون فقه، اصول، تفسیر، تاریخ، کلام، حدیث و اخلاق نگاشته است که نام تعدادی از آنها در الذریعه آقا بزرگ تهرانی ثبت شده است. برخی از این آثار عبارتند از:

۸. مقدمة التحقيق منية الراغب، ص ۱۳؛ امین، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۳۰.

۹. تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۴.

فقه: المنية في حكم الشارب واللحية (مطبوع)^{۱۱}، طريق النجاة، رساله عملیه چاپ شده در سال ۱۳۸۲ هـ. ق در نجف^{۱۱}، رساله في الحج (خطی)^{۱۲}، رساله في المعاطاة (خطی)^{۱۳}، الحاشية على وسيلة النجاة سيد ابوالحسن اصفهانی (خطی)^{۱۴}، تقريرات بحث سيد ابوالحسن اصفهانی (خطی)^{۱۵}، ذخيرة الصالحين في شرح تبصرة المتعلمين^{۱۶} (خطی، در حال تصحيح و تخريج مصادر) که در اين مقاله به معرفی آن خواهيم پرداخت.

اصول: مباحث في علم الاصول (خطی)^{۱۷}، الفوائد الرضوية في المسائل الاصولية^{۱۸} (تقريرات بحث اصول آيت الله شيخ ضياء الدين عراقی، مباحث الفاظ و ادلة عقلية، خطی).

۱۰. اين کتاب به زبان فارسی در سال ۱۳۵۸ هـ. ق، به قلم مؤلف تأليف شده، سپس آقای سيد مير محمد کاظمی قزوینی در سال ۱۳۶۲ هـ. ق آن را با عنوان «المنية في حكم الشارب...» به عربي ترجمه کرده است و آنگاه همين کتاب با عنوان «تراش ريش از نظر اسلام» به قلم آقای محمدی اشتهاردی به فارسی برگردانده شده است. ر. ک: پور امینی، مقدمه التحقيق مقتل الامام الحسين، ص ۲۶. لازم به ذکر است که در مطلع اين کتاب تقریظ آيت الله العظمی سيد ابوالحسن اصفهانی (ره) درج شده که بخشی از آن چنین است: «هذه الرسالة الشريفة والجوهرة اللطيفة من رشحات قلم علم الاعلام... الشيخ محمد رضا الطبسی دامت تأييداته فقد اتعب نفسه الشريفة وأتى بما لا مثيل له...».

۱۱. طبسی، مقدمه منية الراغب، ص ۲۸.

۱۲. همان.

۱۳. همان.

۱۴. همان.

۱۵. همان.

۱۶. تهرانی، الذريعة، ج ۱۰، ص ۱۶.

۱۷. طبسی، منية الراغب، ص ۳۰.

۱۸. همان، ص ۳۰؛ الذريعة، ج ۱۶، ص ۳۴۰.

کلام: اثبات الرجعة^{۱۹}، الشيعة و الرجعة (دو جلد، مطبوع) ۲۰ مصباح الظلام
في الرد على المهديين (مطبوع ۱۳۴۱ هـ . ق) ۲۱ عقد الفرائد في اصول العقائد
(مطبوع ۱۳۴۴ هـ . ق) ۲۲ .

تفسير: خلاصة البيان في تفسير القرآن (تفسير ۱۳ جزء قرآن، خطی) ۲۳،
تفسير سوره عمّ (خطی) ۲۴ .

تاريخ: مقتل الامام الحسين (ع) (مطبوع ۱۴۲۴ هـ . ق) ۲۵، منية الراغب في
ايمان ابي طالب (ع) (مطبوع ۱۴۲۸ هـ . ق) ۲۶، الانوار اللامعة في تاريخ سيده
النساء فاطمة (س) (خطی) ۲۷ .

حديث: الاربعون حديثاً عن الاربعين في فضائل امير المؤمنين (مطبوع) ۲۸،

۱۹ . تهرانی، الذريعة، ج ۱، ص ۹۲؛ طبسی، منية الراغب، ص ۲۷ .

۲۰ . اين كتاب به قلم آقای سيد مير شاه ولد با عنوان ستاره درخشان به فارسی ترجمه و تاکنون
بارها تجديد چاپ شده است . طبسی نجفی، مقدمة التحقيق مقتل الامام الحسين (ع)،
ص ۲۶ .

۲۱ . تهرانی، الذريعة، ج ۲۱، ص ۱۱۲؛ اين كتاب به قلم استاد جعفر الهادي با عنوان «دروس
في النصرانية» به عربي ترجمه شده است . طبسی نجفی، مقدمة التحقيق مقتل الامام
الحسين (ع)، ص ۲۷ .

۲۲ . الذريعة، ج ۱۵، ص ۲۹۳ .

۲۳ . طبسی نجفی، مقدمة التحقيق مقتل الامام الحسين (ع)، ص ۲۷ .

۲۴ . همان .

۲۵ . اين كتاب به كوشش محقق فرزانه، شيخ محمد امين پوراميني تحقيق و چاپ شده است .

۲۶ . اين كتاب به كوشش استاد و محقق حوزه، شيخ محمد جعفر طبسی تحقيق و به قلم آقای
محمدي اشتهاردی (ره) با عنوان «ابوطالب يگانه مدافع اسلام» به فارسی ترجمه شده است .

۲۷ . تهرانی، الذريعة، ج ۲، ص ۴۳۹؛ طبسی، مقدمة التحقيق منية الراغب في ايمان ابي
طالب (ع)، ص ۲۹ .

۲۸ . تهرانی، الذريعة، ج ۱، ص ۴۳۲؛ طبسی، مقدمة التحقيق منية الراغب في ايمان ابي
طالب (ع)، ص ۲۷ .

در الاخبار فيما يتعلق بحال الاحتضار (۳ جلد) (مطبوع) ۲۹، تذكرة الأحبة و الأبرار (خطی) ۳۰.

اخلاق: ذرایع البیان فی عوارض اللسان (مطبوع) ۳۱، الدر الثمین فی التختّم بالیمین (مطبوع) ۳۲.

آیت الله شیخ محمد رضا طبسی از آغاز نهضت اسلامی ایران، همراه با عده ای دیگر از علمای نجف اشرف، با صدور اعلامیه ای علیه حکام پهلوی، آشکارا به حمایت از انقلاب اسلامی و اعلان انزجار از اقدامات ظالمانه رژیم طاغوت شاه پرداخت. پس از قیام خونین پانزده خرداد، هنگامی که امام خمینی به عراق تبعید شدند، شخصاً تا چهل کیلومتری نجف اشرف به استقبال امام شتافت و با تعطیل کردن نماز جماعت خود، در نماز جماعت امام خمینی در مسجد شیخ انصاری و مدرسه آیت الله بروجردی شرکت می کرد. پس از انقلاب نیز همواره، حمایت از امام خمینی را حمایت از امام زمان (ع) می دانست.

او سرانجام در شب ۲۵ ربیع الاول ۱۴۰۵ هـ. ق (۲۸/۱۰/۱۳۶۳ هـ. ش) پس از گذراندن عمر خود در راه ترویج و نشر اندیشه و مکتب اهل بیت (ع) به ملکوت اعلی شتافت. انتشار این خبر از طریق روزنامه ها و نیز صدا و سیمای جمهوری اسلامی موجی از غم و اندوه را در میان محافل علمی، حوزه های

۲۹. تهرانی، الذریعة، ج ۸، ص ۱۱۷؛ طبسی، مقدّمة التحقيق منية الراغب في ايمان ابي طالب (ع)، ص ۲۷.

۳۰. تهرانی، الذریعة ج ۴، ص ۲۷؛ طبسی، مقدّمة التحقيق منية الراغب في ايمان ابي طالب (ع)، ص ۲۹.

۳۱. تهرانی، الذریعة، ج ۱۰، ص ۲۴؛ طبسی، مقدّمة التحقيق منية الراغب في ايمان ابي طالب (ع)، ص ۲۷.

۳۲. این کتاب به قلم آقای رازی (ره) با عنوان «گوهر وزین» به فارسی ترجمه و چاپ شده است. طبسی، مقدّمة التحقيق منية الراغب في ايمان ابي طالب (ع)، ص ۲۷ و ۲۸.

علمیه، دستداران و ارادتمندان آن فقیه پارسا پدید آورد. پیکر پاک این عالم ربّانی پس از تشییع باشکوه در بقعه ۳۸ صحن مطهر حضرت معصومه (س) آرام گرفت.

کتاب «ذخیره الصالحین فی شرح تبصرة المتعلمین»

همانطور که از نام کتاب پیداست، این اثر فقهی در شرح کتاب «تبصرة المتعلمین» علامه حلّی (م ۷۲۶هـ. ق) نگاشته شده است.

«تبصرة المتعلمین فی احکام الدین»، تألیف علامه حلّی، یک دوره کامل فقه موجز فتوایی از طهارت تا دیات است که با وجود حجم بسیار اندک آن، مسائل بسیاری از احکام را در خود جای داده است. کوتاهی و روانی عبارات این کتاب موجب شده تا فقهای بسیاری به شرح و تعلیقه و حاشیه نویسی بر آن همت گمارند. آقا بزرگ طهرانی نزدیک به چهل شرح را بر تبصرة علامه حلّی گزارش کرده که اسامی برخی از آنها فهرست وار ذکر می شود:

۱. «صراط الیقین فی شرح تبصرة المتعلمین»، تألیف شیخ احمد احسائی (م ۱۲۴۱هـ. ق) ۳۳؛

۲. «شرح التبصرة» تألیف علامه سید محمد علی حسینی مرعشی مشهور به شهرستانی (م ۱۲۸۷هـ. ق) شرحی مبسوط و مزجی دارای ۱۵ هزار بیت در مبحث طهارت، دماء و صوم؛ ۳۴

۳. «هدایة المسترشدين فی شرح تبصرة المتعلمین» تألیف سید محمد تقی نقوی لکنهو (م ۱۲۸۹هـ. ق) ۳۵؛

۴. «بصائر السالکین فی شرح تبصرة المتعلمین»، شرحی مبسوط در ۱۸

۳۳. تهرانی، الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۹.

۳۴. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۵.

۳۵. همان، ج ۲۵، ص ۱۹۴؛ سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۵۳۸.

- مجلد تألیف سید مهدی قزوینی (م ۱۳۰۰ هـ. ق) ۳۶؛
۵. «شرح التبصرة» تألیف سیدهاشم موسوی احسائی (م ۱۳۰۹ هـ. ق) از ابتدا تا مبحث قبلة ۳۷؛
۶. «شرح التبصرة» تألیف شیخ محمد حسین احسائی (م ۱۳۱۰ هـ. ق) ۳۸؛
۷. «نصرة المستبصرين في شرح تبصرة المتعلمين» تألیف محمد حسن استرابادی (م ۱۳۱۸ هـ. ق) تا آخر بحث «المياه» مسأله اشتباه مطلق با مضاف ۳۹؛
۸. «تذكرة في شرح التبصرة» تألیف سید ابو القاسم رضوی (م ۱۳۲۴ هـ. ق) ۴۰؛
۹. «نفائس التذكرة في شرح التبصرة» تألیف محمد رضا غراوی نجفی، (تاریخ نگارش ۱۳۲۸ هـ. ق) ۴۱؛
۱۰. «تكملة التبصرة» تألیف آخوند محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ هـ. ق) ۴۲؛
۱۱. «إكمال الدين في شرح تكملة تبصرة المتعلمين» تألیف سید حسن میر موسوی قزوینی حائری (ت ۱۲۹۶ هـ. ق) شامل مباحث طهارت، خمس، وقف و طلاق، حاصل تقریرات بحث علامه آخوند خراسانی ۴۳؛
۱۲. «التكملة في شرح التبصرة» تألیف اسماعیل تبریزی شامل مباحث بیع تا دیات (مطبوع در سال ۱۳۳۷ هـ. ق) ۴۴؛

۳۶. تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۱۲۵.

۳۷. همان، ص ۱۳۸.

۳۸. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۴.

۳۹. همان، ج ۲۴، ص ۱۷۷.

۴۰. همان، ج ۴، ص ۲۱.

۴۱. همان، ج ۲۴، ص ۲۴۰.

۴۲. همان، ج ۴، ص ۴۱۲.

۴۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۱.

۴۴. همان، ج ۴، ص ۴۰۹.

۱۳. «شرح التبصرة» تأليف شيخ ضياء الدين عراقى (م ۱۳۶۱ هـ. ق) ۴۵

۱۴. «شرح التبصرة» تأليف سيد عبد الحسين شرف الدين عاملى

(م ۱۳۷۸ هـ. ق) ۴۶؛

۱۵. «ذخيرة الصالحين في شرح تبصره المتعلمين» تأليف شيخ محمدرضا

مروّج طبسى (م ۱۴۰۵ هـ. ق) ۴۷

۱۶. «فقه الصادق» تأليف سيد صادق روحانى قمى (معاصر) ۴۸.

همانطور که از مقدمه مؤلف بر مى آيد، تاريخ شروع نگارش اين کتاب پس از

وفات آيت الله العظمى سيد ابوالحسن اصفهاني بوده است. در مجلد اول از نسخه

خطى مؤلف، پيش از ورود به شرح كتاب الطهارة، تاريخ شروع تأليف «غره ربيع

الثانى ۱۳۶۵ هـ. ق» درج شده است. آقا بزرگ تهراني نيز در كتاب خود تاريخ

شروع تأليف را پس از وفات سيد ابوالحسن اصفهاني گزارش کرده است. ۴۹

همچنين تأليف آخرين مباحث اين كتاب (از كتاب الصيد تا آخر كتاب القصاص و

الحدود) چنان که در نسخه خطى آن آمده، در ماه صفر سال ۱۳۹۰ هـ. ق پايان

يافته است. بنا بر اين، نگارش آن بيست و پنج سال به طول انجاميده است.

نسخه خطى كتاب ذخيرة الصالحين بر اساس و به ترتيب فصول تبصرة

المتعلمين علامه حلى در هفت مجلد سامان يافته است. متأسفانه يك جلد اين

كتاب که حاوى مباحث نکاح، طلاق، عتق و ايمان است، مفقود شده است.

۴۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۵.

۴۶. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۴.

۴۷. همان، ج ۱۰، ص ۱۶.

۴۸. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۵.

۴۹. همان، ج ۱۰، ص ۱۶.

فهرست مطالب كتاب الصلاة تا فيما يتعلق بأفعال الصلاة

علامه طبسی در حاشیه مجلّدت ذخيرة الصالحين، مباحثی را که خود مطرح کرده، عنوان گذاری کرده است. فهرست برخی از موضوعاتی که او در «كتاب الصلاة» تا ابتدای مبحث «فيما يتعلّق بأفعال الصلاة» بدان متعرّض شده، بدین شرح است:

الفصل الأول - في أعدادها

المقدمة الاولى في اعداد الفرائض اليومية، في النوافل و ما قيل فيها، في سقوط نوافل النهارية في السفر، في سقوط الوتيرة و عدمها في السفر، في النوافل اليومية و الليلية، في أنّه هل يجوز قضاء النوافل؟

الفصل الثاني - في أوقاتها

في بيان ما ورد في أن للمغرب وقتاً واحداً، في الاقوال في آخر وقت المغرب و العشاء، فيما ذهب اليه العامة في وقت الصلاتين، في ان لذوى الاعذار الوقت باق الى قبل الفجر، في أنّ افضل اوقات صلاة الصبح ما هو؟ في جواز الإتيان بصلاة الليل و لو في اول الليل، في أنّ الصلاة الغفيلة صلاة مستقلّة، في اخبار «من ادرك» عامة و خاصّة.

الفصل الثالث - في القبلة

في القبلة و ماهيتها، في كراهة الفريضة جوف الكعبة، فيما يتعلّق بمعرفة القبلة، في ان محلّ الكعبة هو القبلة لا البنية، [فيما] اذا تعدّر عليه القبلة و لو ظناً، فيما يتعلّق بالصلاة في السفينة، في أنّه هل يجوز تكرار الصلاة إلى أربع جهات مع التمكن من تحصيل القبلة؟ فيما يتعلّق باحكام القبلة، في ان الناسى الى جهة القبلة كالظان أم لا؟ لو صلّى مستدبر القبلة.

الفصل الرابع - في اللباس

في بطلان الصلاة في المغصوب، في كراهة استصحاب الحديد، في انّ

التحنك هل هو مخصوص بالصلاة أو مستحب مطلقاً؟ ، فيما يكره فيه الصلاة و ما يشترط فيه، في وجوب ستر المرأة شعرها، في عدم وجوب ستر القدمين، في استحباب ستر الرأس لها، فيما يصلّى فيه الرجل و المرأة، فيما ينبغي أن يلبس و ما لا ينبغي، فيمن لم يجد غير الحرير و المغصوب .

الفصل الخامس - في المكان

في كراهة صلاة الرجل و المرأة معاً، في مراتب الفضل في المساجد، فيما يصحّ السجود عليه و ما لا يصحّ، فيما قيل من عدم جواز السجود على القطن و الكتان، فيان أفضل افراد الارض التربة الحسينية، في كراهة الصلاة على القبر، في كراهة الصلاة الى القبر، فيما دلّ من الاخبار على جواز الصلاة خلف قبور الائمة (ع)، في جواز التقدم على قبر المعصوم (ع) في الصلاة و عدمه .

الفصل السادس - في الاذان و الإقامة

فيما ورد من الاخبار في كيفية الاذان، في كون الشهادة بالولاية جزءاً منها أو لا؟، في فصول الإقامة، في أنّه هل الحكاية مختصة بالاذان أو يشمل الإقامة؟ ان الحكاية هل هي في الاذان الاعلامي و الصلاتي أو مطلقاً؟، هل يجوز في الاذان الاعلامي ازيد من واحد أو لا؟ فيما ورد من الاقوال في الاذان و الإقامة وجوباً و استحباباً، في عدم تاكدهما للنساء، فيما يؤذن أو يقيم، في سقوط الاذان و الإقامة لمن دخل على الجماعة، في أنّه هل السقوط رخصة او عزيمة، في ان الحكم مختصّ بالمسجد أو عام؟

شيوه نگارش

همانطور که پیشتر بیان شد، ذخیره الصالحین، شرح مزجی تبصره است .

سبک مؤلف در طرح مباحث فقهی این گونه است :

۱ . پیش از ورود به شرح عبارات علامه و گاه در لابه لای مباحث، هر جا

موضوع فقهی نیازمند توضیح لغوی و اصطلاحی باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ برای مثال در آغاز بحث صلاة می‌گوید:

(كتاب الصلاة) التي هي من افضل الفرائض ... وهي لغة الدعاء ... وفي العرف المتشرعة عبارة عن عبادة مخصوصة مركبة من عدة امور شرعية ...^{۵۰}.

و یا در آغاز ورود به بحث قبله می‌گوید:

(الفصل الثالث) من فصول كتاب الصلاة (في) ما يتعلّق (القبلة) قال في المجمع في «قبل»: «و القبل من كل شيء خلاف دبره قيل سمي قبلاً، لأن صاحبه يقابل به غيره و منه القبلة؛ لأن المصلّي يقابلها»^{۵۱}.

نیز هنگام شرح عبارات (وامّا النوافل)^{۵۲} می‌گوید:

قال في المجمع: و النفل الزيادة و الانفال ما زاده الله ... و سميت النافلة من الصلاة؛ لأنها زيادة على الفرض.^{۵۳}

۲. ادله و مستندات فقهی فروع مطرح شده در متن «تبصرة» را ذکر می‌کند؛

مانند:

(و) أمّا (وقت نافلة المغرب بعدها) الى بعد اتيان صلاة المغرب للاخبار الكثيرة منها: ما عن مولانا الصادق(ع) للحارث بن النّصري: وَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرَبِ يَا حَارِثُ لَا تَدَعُهَا فِي سَفَرٍ وَلَا حَضْرٍ^{۵۴ و ۵۵}.

۵۰. طیبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۱. (تمامی نشانی‌ها مطابق با نسخه خطی این کتاب است)

۵۱. همان، ص ۳۸.

۵۲. علامه حلی، تبصرة المتعلّمين، ص ۳۸.

۵۳. طیبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۱۷.

۵۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹، ح ۱۶؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۸، ح ۹، ابواب اعداد الفرائض.

۵۵. طیبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۱۹.

يا مانند:

(و وقت نافلة الليل بعد انتصافه) كما عليه مذهب علمائنا و عن المعتمر^{٥٦} و
المتتهى^{٥٧} دعوى اجماع علمائنا عليه ... و ما دلّ على ما في المتن فهي عدّة
روايات منها: صحيحة فضيل عند احدهما(ع): أن رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ
يُصَلِّي بَعْدَ مَا يَنْتَصِفُ اللَّيْلُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً^{٥٨، ٥٩} ...

٣. هر جا كه عبارات «تبصره» مبهم باشد به رفع آن و كشف مراد علامه همّت

می گمارد؛ مانند:

(إذا زالت الشمس) أي عن دائرة نصف النهار و في كشف اللثام: عن وسط
السماء بإجماع المسلمين ...^{٦٠} و الحقّ ما قلناه^{٦١}.

و كيف كان (في إذا صار كذلك) أي صار زيادة كل شيء ذراعاً أو قدمين بأيّ
تعبير عبرنا (و لم) يكن (يصل شيئاً من النافلة اشتغل بالفريضة) ...^{٦٢} (و)
كذا يكره للمصلّي (اشتغال الصمّاء) قال في الصحاح: اشتغال الصمّاء ان
تجلّج [جسدك] بثوبك نحو شملة الاعراب باكسيتهم و هو ان يردّ الكساء من
قبل يمينه على يده اليسرى و عاتقه الايسر ثم يردّه ثانية من خلفه على يده
اليمنى و عاتقه الايمن فيغطيها جميعاً.^{٦٣ و ٦٤}

٥٦. محقق حلي، المعتمر في شرح المختصر، ج ٢، ٥٤.

٥٧. علامه حلي، منتهى المطلب، ج ٤، ص ٩٧.

٥٨. شيخ طوسي، تهذيب الاحكام، ج ٢، ص ١١٧، ح ٢١٠؛ حر عاملي، وسائل الشيعة،
ج ٤، ص ٢٤٨، ح ٣، ابواب المواقيت.

٥٩. طبسي نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٢٠.

٦٠. فاضل هندی، كشف اللثام، ج ٣، ص ٢٤. ٦١. طبسي نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ٢،
ص ٦.

٦٢. همان، ص ١٩.

٦٣. جوهری، الصحاح، ص ١٩٦٨، ذيل ماده (صمم)

٦٤. طبسي نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٦٠.

۴. شارح، علاوه بر طرح و تبیین فروع ذکر شده در متن «التبصرة»، با گشودن بابی با عناوینی مانند: «تنبيهات»، «فروع» و «مسائل» و گاه نیز بدون تصریح به این عناوین، آنچه را که علامه متعرض آن نشده به تفصیل بحث کرده است؛ مانند:

و اما صلاة الليل و کیفیتها و ان لم يتعرض لها المصنف فلا بأس بالاشارة

إليها نذكرها في طي تنبيهات ... ۶۵

۵. انواع مستندات روایی یک فرع فقهی را همراه با متن آنها، گرچه طولانی باشد، نقل می‌کند. به عنوان مثال، مصنف روایات متعددی را درباره «فضیلت اذان» ذکر می‌کند که نخستین آنها روایتی طولانی از بلال، مؤذن رسول خدا (ص) است که طلعه آن چنین است:

حَمَلْتُ مَتَاعِي مِنَ الْبَصْرَةِ إِلَى مِصْرَ فَقَدِمْتُهَا فَبَيْنَمَا أَنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذَا أَنَا

بِشَيْخٍ طَوِيلٍ شَدِيدِ الْأُذْمَةِ أَيْضُ الرَّأْسِ وَاللَّحْيَةِ ... ۶۶

مؤلف پس از نقل این روایت می‌گوید: «وإننا تعرضنا بتمامه لما فيه من

المطالب النافعة» ۶۷.

۶. مصنف هنگام تبیین هر مسئله فقهی، علاوه بر ذکر دلایل روایی، به نقل عبارات آثار فقهی همچون «المبسوط»، «المعتبر»، «شرائع الاسلام»، «قواعد الاحکام»، «الذکری»، «کشف اللثام»، «مستند الشیعة» و ... که بر آن مسئله دلالت دارد، می‌پردازد، مانند:

و اما إذا اعتقت الامة في اثناء الصلاة و هي مكشوفة الرأس و علمت بذلك

۶۵. همان، ص ۲۲.

۶۶. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۷، ح ۹۰۵؛ فیض کاشانی، کتاب الوافی، ج ۷، ص ۵۶۸-۵۷۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۲۳-۱۲۷.

۶۷. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۸۷.

فمن الشيخ أنه إن قدرت على ثوب تغطى رأسها وجب عليها أخذه و تغطية

الرأس ... ٦٨ و ٦٩

وی، به نقل عبارات برخی از فقها توجّهی ویژه دارد که می توان به طور خاص از «وسيلة النجاة» سید ابوالحسن اصفهانی، «نجاة العباد» و «جواهر الکلام» شیخ حسن نجفی و «اللمعات النيرة» آخوند خراسانی نام برد. او از این منابع بسیار نقل قول می کند و پیش از نقل عبارات از مؤلفان آنها با عناوینی چون «سیدنا الاستاذ و السيد الفقيه» در مورد سید ابوالحسن اصفهانی، «الشيخ الاكبر، شيخنا الاجل»، «شيخنا الفقيه، شيخنا الامام» در مورد صاحب جواهر و «العلامة الخراساني» در مورد آخوند خراسانی یاد و احترام می کند.

٧. ایشان تنها به نقل عبارات فقهای شیعه بسنده نمی کند، بلکه در برخی موارد برای تقویت مضمون روایت یا اثبات اختلافی بودن مسئله میان علمای عامّه، از آنان با ذکر منبع نقل قول می کند؛ مانند:

أقول: و ما عندنا من كتبهم غير ما يقوله ابن رشد في بدايته ص ٨٧: المسألة الثالثة اختلفوا في المغرب هل لها وقت موسّع كسائر الصلوات أم لا؟ فذهب قوم إلى أنّ وقتها واحد غير موسّع وهذا هو أشهر الروايات عن مالك و عن الشافعي ٧١، ٧٠ ...

شارح پس از نقل نسبتاً طولانی از عبارات ابن رشد الحفید می گوید: «أقول: نقلنا الكلام بطوله ليعلم أنّ المسألة ايضاً عندهم من المسائل الخلافية أولها و آخرها ...». ٧٢

٦٨. شيخ طوسي، المبسوط، ج ١، ص ٨٧-٨٨.

٦٩. طبسي نجفي، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٦٥.

٧٠. اندلسي، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ١، ص ٨١.

٧١. طبسي نجفي، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ١٣-١٤.

٧٢. همان، ص ١٤.

۸. مؤلف، تنها ناقل عبارات فقها نیست، بلکه در موارد بسیاری، نقل و نقد، و تتبع و تحقیق را کنار یکدیگر قرار داده است، برای مثال، صاحب حدائق ذیل عنوان «فی العورة التي يجب سترها في الصلاة و عن الناظر المحترم» می گوید:

و أما استثناء الكفّين و القدمين فلا يخلو من غموض بل ربّما كان الظاهر منها العدم، و ذلك؛ لأنّ مبني استدلالهم بصحیحة محمد بن مسلم المذكورة على أنّ الظاهر أنّ القميص لا يستر ذلك عادةً، و هذا أنّما يتمّ لو علم أنّ ثياب النساء في وقت خروج هذه الاخبار في تلك الديار كانت على ما يدعونه، و لم لا يجوز ان درو عن كانت مفضیة إلى ستر أيديهن و اقدامهن كما هو المشاهد الآن في نساء اعراب الحجاز بل أكثر بلدان العرب؟ فإنهم يجعلون القميص واسعة الاكمام مع طول زائد فيها بحيث تكون طويلة الذيل تجر على الأرض ... ۷۳

شارح تبصره این گونه به این کلام اشکال می کند:

أقول: إنّ الاحكام الفرعية ليست بنائها على هذه الامور الاستحسانية و هذا عجيب منه حيث يستشكل غالباً على القوم بامثالها و الحاصل نحن ندور مدار الدليل أو التعبد به فان لم يثبت دليل قوى على وجوب سترهما مضافاً الى ما ادّعاء في الجواهر^{۷۴} من السيرة و الاجماع على عدم وجوب سترهما فاذا شكنا في وجوب الستر و عدمه فالاصل يقتضى عدمه كما لا يخفى فلاتصل النوبة إلى مثل هذا الوجه الغير الوجیه ... ۷۵

همچنین در نقد این کلام از محقق حلی که در مبحث «لباس المصلی»

می گوید:

۷۳. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۹۷.

۷۴. نجفی، جواهر الکلام، ج ۸، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۷۵. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۶۳-۶۴.

مسئله: و لا تجوز الصلاة فيما يستر ظهر القدم ليس له ساق كالنعل السندي،
و الشمشك قاله الشيخان في النهاية و المقنعة، و مستند ذلك فعل النبي
صلى الله عليه و آله، و عمل الصحابة، و التابعين ... ٧٦

چنين می نویسد:

هذا عجيب من مثله، فانّ عدم لبسه النبي (ص) اعمّ من عدم كونه جائزاً و لا
اعتماد و لا اعتناء بعدم لبس الصحابة فعلاً أو تركاً. نعم لو ثبت عدم لبسه من
مثل علي أو سلمان و أبي ذرّ و أضرابهم ربّما يقع الاشكال فيه و إلاّ عدم لبس
فلان و فلان لا قيمة له ... ٧٧

نيز در ذیل کلام فاضل هندی درباره استحباب فصل به «سجده» و «خطوة»
میان اذان و اقامه که می گوید: «و لم أظفر بخصوصهما بنصّ و لكن ذكرهما
الشيخان و غيرهما، إلا أنّ السجدة جلسة و زيادة راجحة»^{٧٨}، می نویسد:

أقول: و هو ليس كذلك فإنّ في كتاب فلاح السائل عن بكر بن محمد عن
إبي عبد الله (ع) قال: مَنْ سَجَدَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فَقَالَ فِي سُجُودِهِ: سَجَدْتُ
لَكَ خَاضِعاً خَاشِعاً ... ٨٠ و ٧٩

٩. مصنّف از پذیرش متن روایتی که با قول مشهور مخالف است، خودداری
می کند؛ برای مثال در بحث فصول اذان، درباره حدیث عبد الله بن سنان که
می گوید:

٧٦. محقق حلی، المعتبر في شرح المختصر، ج. ٢، ص ٩٣.

٧٧. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ٢، ص ٥٨.

٧٨. فاضل هندی، كشف اللثام، ج ٣، ص ٣٧٩.

٧٩. سید بن طاوس، فلاح السائل، ص ١٥٢؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٥، ص ٤٠٠،
ح ١٤، ابواب الاذان و الاقامة. ادامه روایت چنین است: «... ذَلِكَ يَقُولُ اللَّهُ مَلَأَكُنِي وَ
عَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَجْعَلَ مَحَبَّتَهُ فِي قُلُوبِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ وَ هَبَّتَهُ فِي قُلُوبِ الْمُتَّقِينَ».

٨٠. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ٢، ص ٩٢.

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْإِذَانِ، فَقَالَ: تَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... ۸۱.

می نویسد: «اقول: و هل الرواية منطبقه على ما هو المشهور من الاذان؟ والمسألة
لا تخلو عن اشكال، و الاظهر الاقوى ما عليه المشهور؛ لكونه خالياً عن المحذور». ۸۲.
۱۰. گاهی قول مشهور را نیز نقد می کند و با بررسی مستندات آن، بر خلاف
آن فتوا می دهد؛ مانند: «و الحاصل لا تنافي بين الاخبار اصلاً فيجوز اختياراً على
الاقوى فعلها قبلاً او بعداً و لكن المشهور بل ادعي الاجماع على عدم جواز تقديمها
على الانتصاف ...». ۸۳.

۱۱. پس از ذکر مستندات فقهی هر مسئله و طرح ادله موافق و مخالف، با
عبارت «اقول» و «و الحاصل» به نتیجه گیری و جمع بندی بحث می پردازد و نظریه
نهایی خود را بیان می کند؛ مثلاً در بحث «فيما يتعلق بالصلاة في السفينة» پس از
طرح آرای مختلف و ذکر روایاتی که ظهور در جواز دارد؛ مانند: صحیحه جميل
بن درّاج که از امام صادق (ع) سؤال کرد: «تَكُونُ السَّفِينَةُ قَرِيبَةً مِنَ الْجَدِّ فَأَخْرُجُ وَ
أُصَلِّي؟ قَالَ: صَلِّ فِيهَا أَمَا تَرْضَى بِصَلَاةِ نُوحٍ (ع)»، ۸۴ می نویسد:

و الحاصل القول بالجواز على نحو الاطلاق نظراً الى تلك الاخبار مشكل
مضافاً إلى أنه لا ندرى كيفية صلاة نوح النبي عليه السلام أنها كانت من حيث
الكيفية و الكمية مثل صلاتنا و لعله كانت مثل الاذكار و الاوراد التي لا يعتبر
فيها ما يعتبر في صلاتنا فتأمل جيداً. ۸۵.

۸۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۵۹-۶۰، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۱۴-
۴۱۵، ح ۵، ابواب الاذان و الاقامة.

۸۲. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۸۸.

۸۳. همان، ص ۲۱.

۸۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۷، ح ۱۳۲۱؛ حر عاملی، وسائل
الشیعة، ج ۴، ص ۳۲۰، ح ۳، ابواب القبلة.

۸۵. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۴۹.

آشنایی با برخی دیدگاه‌های مؤلف

در لا به لای عبارات کتاب الصلاة «ذخيرة الصالحين»، مبانی اصولی و دیدگاه‌های فقهی مؤلف نهفته است که برای نمونه به برخی از دیدگاه‌های اصولی و فقهی او اشاره می‌کنیم:

دیدگاه‌های اصولی

۱. مؤلف در بحث اجتماع امر و نهی، امتناعی است:

اقول: المسألة محلّ كلام و اختلاف عظیم؛ لأنّ اصحابنا بين طائفتين قائل باجتماع الأمر و النهي و قائل بامتناعه و مبنى المسألة هو هذا و الذي بيننا عليه في السابق الامتناع فعليه لا يتقرّب به ضرورة صدور الفعل منه و الحال هذه محرماً مبغوضاً...^{۸۶}

۲. شهرت و عمل اصحاب را جابر ضعف سند می‌داند: «قلت: و لا يضرّ ضعف السند في بعضها بعد كونها معمولاً بها عند الاصحاب»^{۸۷} «و مرسل ابن مسكان المنجبر بالشهرة...»^{۸۸}

۳. او با پذیرش قاعده «تسامح در ادله سنن» برخی احکام فقهی را بدان مستند می‌کند: «... و إن كان بعنوان الاستصحاب أيضاً لا بأس به فان غاية ما في الباب رمي الرواية بالضعف و على فرضه لا يضرّ للتسامح في أدلة الاستصحاب...»^{۸۹} و یا در جای دیگر می‌نویسد: «أو يصلّي مواجهاً (إلى باب مفتوح) و نسب ذلك إلى

۸۶. همان، ص ۶۹ ذیل عبارت: «و يطل» الصلاة (في) الشيء (المغضوب) ... و لكنّه مع علم الغضب) ...».

۸۷. همان، ص ۳۷.

۸۸. همان، ص ۶۶.

۸۹. همان، ص ۵.

المشهور وفي المهذب^{۹۰} انه مذهب الاكثر ولا بأس به للتسامح فيادلتته^{۹۱}.

۴. در نظر ايشان، امر به شيء مقتضى نهى از ضد نيست:

و اما ايّاق غيرها فالظاهر انّ الصحة و الفساد مبنيان على ما في الاصول من

انّ الامر بالشيء يقتضى النهي بالنسبة الى الضدّ ام لا؟ و حيث ان المختار

عدم اقتضائه حرمة الضدّ^{۹۲}.

۵. وى تعلّم را واجب مقدّمى مى داند:

و هل التعلّم واجب نفسي بحيث لو تركه عوقب عليه او لا بل غيري مقدّمى و

العقاب على ترك القراءة في الصلاة؟ ... و المشهور انه واجب غيرى و هو

الحق لعدم الدليل على كونه واجباً نفسياً بل على التحقيق أنّه واجب مقدّمى

كما نفّحناه في الاصول^{۹۳}.

۶. ايشان در مسئله «دوران امر بين اقل و اكثر ارتباطى» اقل را متيقّن و مازاد

بر آن را جارى مجراى اصالة البرائة مى داند: «لما حقّقناه في الاصول من انّ

المسألة من صغريات الاقل و الاكثر الارتباطيين و اخترنا فيها بانّ الاقل هو المتيقّن

و الزائد عليه مجرى اصالة البرائة»^{۹۴}.

۷. از دیدگاه وى، نهى در معاملات دلالت بر فساد نمى كند: «... لأنّ النهي

في المعاملات لا يدلّ على الفساد كما بينّ في الاصول عند التحقيق»^{۹۵}.

دیدگاه های فقهی

۱. شهادت بر ولايت امير المؤمنين(ع) را در اذان، مستحبّ و به عنوان ثانوى

۹۰. حلى، المهذب البارع، ج ۱، ص ۳۳۸.

۹۱. طبسى نجفى، ذخيرة الصالحين، ج ۲، ص ۷۴.

۹۲. همان، ص ۳۲.

۹۳. همان، ص ۱۱۶.

۹۴. همان، ص ۱۲۰.

۹۵. همان، ص ۲۲۴.

واجب می داند: «فعلیه فالقول باستحباب الشهادة الثالثة لعلي بن أبي طالب بالولاية قوی جداً بل لا یبعد القول بالوجوب بعنوان الثانوي في هذا العصر المشؤوم و هذا هو التميز بين الشخص شیعياً او سنیاً».^{۹۶}

۲. او به تبعیت از مشهور، تقدّم نمازگزار بر قبر معصوم (ع) را مکروه می داند: «فاذن ما علیه المشهور من القول بالكراهة هو الاقوی».^{۹۷}

۳. از نظر ایشان، وقت نماز عشا برای شخص مختار تا نیمه شب و برای مضطرّ (خواب، فراموشی، حیض) تا طلوع فجر است: «فتحصل أنّ الوقت المختار في صلاة العشاء الآخرة على المختار إلى انتصاف الليل ... و أمّا المضطرّ لنوم أو نسيان أو حیض فالأظهر بقاء الوقت له إلى طلوع الفجر ...».^{۹۸}

۴. به نظر ایشان، وقت مغرب با ذهاب حمرة مشرقیه تحقق می یابد. از دیدگاه او ذهاب حمرة مشرقیه اماره و علامت استتار خورشید در افق است: «فعلیه انّ القول الثاني لو لم نقل بكونه اقوی لا اشكال في أنّه احوط فان استتار القرص كثيراً ما يشتهه أمره بواسطة الجبال و الاظلة و لأجل ذلك قد جعل شارع اماره و علامة على تحقّقها بذهاب الحمرة المشرقية».^{۹۹}

۵. ادای نافله شب را پیش از نیمه شب نیز جایز می داند: «و الحاصل لا تنافي بين الاخبار اصلاً فيجوز اختياراً على الاقوی فعلها قبلاً و بعداً...»^{۱۰۰} و این گونه استدلال می کند: «انّ النوافل هي الهدايا و الهدية متى أتى بها المهدي قبلها المهدي إليه».^{۱۰۱}

۹۶. همان، ص ۹۰.

۹۷. همان، ص ۸۴.

۹۸. همان، ص ۱۴.

۹۹. همان، ص ۱۱-۱۲.

۱۰۰. همان، ص ۲۱.

۱۰۱. همان.

۶. او در عین پذیرش جواز ارتزاق مؤذّن از بیت المال، اخذ اجرت بر اذان را بنا بر احتیاط جایز نمی داند: «فلا حوط ان لم نقل بكونه اقوی ... عدم جواز الاخذ بهذا العنوان». ۱۰۲

۷. دعا برای چهل مؤمن در نماز شب با این کیفیت که دست چپ را بلند کند و با دست راست شمارش نماید فاقد دلیل است: «الدعاء لأربعین من المؤمنین رافعاً ید الیسری و حاسباً بالید الیمنی و القدر المتیقّن منه العدول مطلقاً حیاً کان أو میتاً و قد عرفت بهذه کیفیة لا دلیل علیه إلّا ما مرّ من نقل النبوی ...». ۱۰۳ تنها دلیل موجود، نقل نبوی (ص) است که مفاد آن استحباب دو رکعت نماز پیش از شروع نماز شب و دعا برای چهل مؤمن در سجده آن نماز می باشد. ۱۰۴

۸. وی مطابق با مشهور متأخرین، نماز مردی را که زنی کنار یا روبه روی او نماز می خواند، جایز و مکروه می داند: «و الجمع بین الاخبار ما علیه المتأخّرين» ۱۰۵ وی می نویسد. «فإذن الاقوی ما علیه المشهور من أصحابنا المتأخّرين من القول بالجواز و الکراهة». ۱۰۶

۹. او به تبعیت از صاحب مدارک، جزئیت بسمله برای سوره ها (غیر از فاتحة الكتاب) را به مشهور متأخران نسبت می دهد: «و أمّا کونها جزء من بقیة السور غیر ما قام الدلیل علی عدمه مثل سورة البراءة فالمقطوع بین عامّة المتأخّرين أنّها جزء لها کما فی المدارک». ۱۰۷ و ۱۰۸ وی در ادامه با نقل مستندات روایی، این قول را تقویت

۱۰۲. همان، ص ۹۶

۱۰۳. همان، ص ۲۶.

۱۰۴. شیخ طوسی، مصباح المتهدّد، ص ۱۳۳؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۶۴، ح ۱، ابواب بقیة الصلوات المندوبة.

۱۰۵. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ص ۷۰.

۱۰۶. همان، ص ۷۱.

۱۰۷. عاملی موسوی، مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۳۴۰.

۱۰۸. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۱۴۱.

و اختیار می کند: «فاذن ما ذهب إليه المشهور، لكونه خالياً عن المحذور». ۱۰۹

۱۰. از نظر ایشان قنوت در نماز به زبان فارسی جایز است:

بل قوله: (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) ۱۱۰ لا اختصاص بلغة دون لغة

و حالة دون حالة ... و قوله كل شيء مطلق ۱۱۱ و إطلاقات القنوت و أنه لا

أعلم شيئاً موقَّتاً ۱۱۲ و أمثالها ... فالأقوى إذن الجواز ... نعم الاحوط الغير

اللازم الترك و كذلك العربي الملحون. ۱۱۳

۱۱. نماز جمعه در زمان غیبت معصوم (ع) واجب تخییری و افضل است:

«... و الحاصل من المجموع من حيث المجموع ... التخییر و اختیار الجمعة افضل

الفردین ...». ۱۱۴

۱۲. او بر خلاف مشهور قائل به کراهت تکلم در اثنای خطبه های نماز جمعه

است: «و الحاصل أن الأقوى ما عليه الشيخ و الكرکي من الكراهة» ۱۱۵ وى در مقام

تأيید این قول به برخی روایات از جمله روایت محمد بن مسلم از امام صادق (ع)

استناد می کند:

إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلَا يُبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَكَلَّمَ حَتَّى يَفْرَغَ الْإِمَامُ مِنْ

خُطْبَتِهِ وَإِذَا فَرَّغَ الْإِمَامُ مِنَ الْخُطْبَتَيْنِ تَكَلَّمَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ تَقَامَ الصَّلَاةُ ... ۱۱۶

۱۰۹. همان، ص ۱۴۲.

۱۱۰. غافر، آیه ۶۰.

۱۱۱. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۹۳۷، باب وصف الصلاة؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۳، ابواب القنوت.

۱۱۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۴۰، ح ۸؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۵، ح ۱۳۷؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۷۷، ح ۱، ابواب القنوت.

۱۱۳. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۱۸۶.

۱۱۴. همان، ص ۲۱۴.

۱۱۵. همان، ص ۲۱۸.

۱۱۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۱، ح ۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰، ح ۷۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۳۰، ح ۱، ابواب صلاة الجمعة.

۱۳. طبق نظر ایشان، بیع پس از اذان نماز جمعه حرمت تکلیفی دارد. این حرمت تنها بیعی را شامل می شود که مانع سعی و حضور در نماز جمعه شود: «و الحاصل أنّ البيع الذي كان مانعاً عن السعي و الحضور يكون محرماً لا مطلق البيع». ۱۱۷

۱۴. تکبیر زائد را در نماز عیدین مستحب می داند: «التنبیه الأول: التکبیر الزائد هو واجب أم لا؟ مقتضى الجمع بين الاخبار الاستحباب» ۱۱۸. همچنین در باره قنوت آن می نویسد: «... و الظاهر أنّ حال القنوت حال التکبیرات الکلام. قال في الشرائع: و بتقدير الوجوب أى التکبیرات هل القنوت واجب أم لا؟ قال: الأظهر لا...». ۱۱۹ و ۱۲۰

۱۵. حکم مشهور مبنی بر حرمت تزئین مساجد به طلا را فاقد دلیل قوی و خلاف اصل می داند:

و ليس في المسألة إلا الظنّ الحاصل من الشهرة المحكية و أيّ دليل يدلّ عليه؟ و لكن مع ذلك لا نتجاسر و لانخالفهم و لا يمكن القول بالتحريم؛ لأنه حکم مخالف للأصل يحتاج إلى دليل قوی لا مثل الظنّ الحاصل من الشهرة و كيف كان لا ينبغي ترك الاحتياط و الله العالم. ۱۲۱

۱۶. اگر مجموع رفت و برگشت مسافر هشت فرسخ و هر یک، چهار فرسخ یا بیشتر باشد در صورتی نماز شکسته است که قصد برگشت در همان روز را داشته باشد: ... و المختار هو قول المشهور فإنّ ما هو المستفاد من الأدلة هو أنّ ما هو الموضوع لفعل الصلاة إنّما هو قصد المسافة إلى ثمانية فراسخ و لا تقصير في أقلّ من هذا المقدار و لا خصوصية لطی تلك المسافة امتدادية مستمرة بل لها مصداقان: الأول: طیّ تلك المسافة من مبدأ الشروع إلى نهايتها بحيث

۱۱۷. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۲۲۳.

۱۱۸. همان، ص ۲۲۹.

۱۱۹. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۲.

۱۲۰. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱۲۱. همان، ص ۳۳۸.

كان المقصد ذهاباً فقط . و الثاني : طي تلك المسافة لا انقص منها . غاية الامر ملفقة و مركبة من الذهاب و الإياب مع ارادته الرجوع و مع عدمه المنع من التقصير و ليس لها ثالث ... ١٢٢

در ادامه مستندات روایی این قول را ذکر می کند .

١٧ . احوط آن است که مسافری که قصد اقامت ده روز در محلی را دارد، اگر از حدّ ترخص محلّ اقامت خود خارج شود، باید بین شکسته و تمام جمع کند: «... و لكنّ الأحوط فيما اذا تجاوز عن حدّ الترخص الجمع بين القصر و الإتمام مطلقاً كان من نيته من الإبتداء أو لا». ١٢٣

١٨ . خفای اذان یا دیوارهای شهر در تحقق حدّ ترخص کفایت می کند و خفای هر دو با هم شرط نیست:

من الشروط المعتبرة في التقصير أن يتوارى عنه أي عن الشخص الذي خرج من محلّه و أراد السفر جدران و حیطان بلده أو يخفی علیه اذان مصره ... فلا يلزم وجودهما معاً أي خفاء الأذان و الجدران بل يكفي حصول أحدهما في وجوب القصر على الأشهر ... ١٢٤

١٩ . حائر حسینی(ع)، شامل اطراف ضریح، رواق و حرم مطهرّ سید الشهداء(ع) می شود:

الإنصاف أن التعدي من الحرم الشريف و ما يتعلّق بها مشكل؛ لكون الحكم على خلاف القاعدة ... فالمتيقّن بل الأحوط الإقتصار على أطراف الضريح الشريف و إن كان دخول تمام الحرم بل الرواق الشريف لا يخلو عن قوّة نعم الأحوط القصر و الله العالم. ١٢٥

١٢٢ . همان، ص ٣٤٩ .

١٢٣ . همان، ص ٣٥٥ .

١٢٤ . همان، ص ٣٥٩ .

١٢٥ . همان، ص ٣٦٤ .

شیوه حل اختلاف احادیث

تعامل نویسنده با روایات فقهی بسیار محتاطانه است. سیره او به جای طرد و جعلی خواندن روایت، ردّ علم آن به خدا و رسولش (ص) ۱۲۶ است. وی تلاش می‌کند تا بر مبنای معیارهای عرفی و منطقی و با به کارگیری روش‌های ضابطه‌مند، تعارض میان روایات را حلّ و فصل کند. ما در اینجا برخی از شیوه‌هایی را که در حلّ اختلاف میان این‌گونه روایات به کار گرفته است، ذکر می‌کنیم:

جمع دلالتی عرفی

۱. اخبار مختلفی در مورد اینکه آیا نماز مغرب دارای یک وقت است یا دو وقت، وجود دارد. در برخی از این روایات نماز مغرب فقط یک وقت دارد؛ مانند صحیحہ ادیم بن الحرّ از امام صادق (ع) که فرمود: «انَّ جَبْرَائِيلَ أَمَرَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِالصَّلَاةِ كُلِّهَا فَبَعَلَ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَيْنِ إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهُ جَعَلَ لَهَا وَقْتًا وَاحِدًا» ۱۲۷ در حالی که از عموم برخی دیگر از روایات استفاده می‌شود که نماز مغرب مانند سایر نمازها دارای دو وقت است؛ مانند صحیحہ ابن سنان از امام صادق (ع) که فرمود: «لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ وَأَوَّلُ الْوَقْتَيْنِ أَفْضَلُهُمَا ...» ۱۲۸. مصنف با استناد به کلام فیض کاشانی و محقق خراسانی، دو وجه برای جمع ذکر می‌کند: نخست به نقل از فیض در «الوافی» می‌نویسد:

أقول: و الذي يظهر لي من مجموع الأخبار و التوفيق بينها أن مجموع هذا

۱۲۶. همان، ص ۱۵.

۱۲۷. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۰؛ ح ۷۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۸۹، ح ۱۱، ابواب المواقیب.

۱۲۸. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴، ح ۳؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۹-۴۰، ح ۷۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۹، ح ۴، ابواب المواقیب.

الوقت هو الوقت الأول للمغرب و أما الوقت الثاني لها فهو من سقوط الشفق إلى أن يبقى مقدار أربع ركعات إلى انتصاف الليل و إنما ورد نفي وقتها الثاني في بعض الاخبار لشدة التأكيد و الترغيب في فعلها في الوقت الأول زيادة على الصلوات الأخر حتى كأن وقتها الثاني ليس وقتاً لها إلا في الأسفار أو للمضطربين و ذوي الأعذار. ١٢٩

سپس در تأیید بیان فیض می گوید:

و يؤيد ذلك ما ورد في ذمّ من آخر صلاة المغرب حتى تشتبك النجوم على ما رواه في النقيه عن أبي عبد الله (ع)، قال: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْمَغْرِبَ طَلَبًا لِنُضْمِهَا وَقِيلَ لَهُ: إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ يُؤَخَّرُونَ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ، فَقَالَ: هَذَا مِنْ عَمَلِ عَدُوِّ اللَّهِ أَبِي الْخَطَّابِ». ١٣٠ و ١٣١

مرحوم طبسی وجه دوم جمع را از آخوند خراسانی این گونه نقل می کند:

و التوفيق العرفی بین الاخبار و أن كان يقتضى تخصيص عموم لكل صلاة وقتان بغير المغرب الا ان اختلاف الاخبار في آخر وقت فضيلتها أو آخر وقت اجزائها في السفر و الحضر و الضرورة و غيرها كسائر الصلوات، يوجب حمل الصحيحتين على أن الوقت الواحد إنما هو لأفضل أفرادها. هذا مضافاً الى أن دلالتهما على أن لها مطلقاً وقتاً واحداً ليس إلا بالإطلاق. و دلالة قوله: «لكل صلاة وقتان» على أن لها أيضاً وقتين بالعموم فيكون أقوى و لامحيص عن حمل الأضعف على الأقوى كما لا يخفى. ١٣٢

نویسنده پس از نقل این عبارات می گوید: «لابدّ من تلك الأخبار من أحد

١٢٩. فیض کاشانی، کتاب الوافی، ج ٧، ص ٢٦٢-٢٦٣.

١٣٠. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ١، ص ٢٢٠، ح ٦٦١؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٤، ص ١٨٨، ح ٦٠ و ٧، ابواب المواقیت.

١٣١. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ٢، ص ٧.

التصرفين إما ما ذكرناه و أيدناه ما عن المحدث الكاشاني وإما ما عن العلامة
الخراساني (نور الله مرقدهما) ۱۳۳.

۲. مصنف در جمع صحیحہ معمّر بن خلاد از امام رضا(ع) که فرمود: «لابأس
بالصلاة بين المقابر ما لم يتخذ القبر قبلة» ۱۳۴، و موثقه عمّار: «عن أبي عبد الله(ع)
في حديث قال: سألتُه عن الرجل يُصلي بين القُبور، قال: لا يجوزُ ذلك إلا أن يجعلَ
بينه وبين القُبور إذا صلى عشرة أذرع من بين يديه و عشرة أذرع من خلفه و عشرة
أذرع عن يمينه و عشرة أذرع عن يساره ثم يُصلي إن شاء» ۱۳۵، می گوید:

تقیّد هذه الأخبار بالموثقة في غاية البعد، فالأولى حمل الموثقة على الكراهة
كيف و لم يقل أحد من أصحابنا بحرمة الصلاة فيما بين القبور إلا ما حكى عن
الديلمی ۱۳۶ و هو لا يضرنا، بل يمكن لنا أن نقول بأنّ المستفاد من التعليل أنّ
النهى عن الصلاة لأجل اتخاذ القبور قبلة و إلا فلو صلى من غير أن يتخذها
قبلة فلا يشمل هذه الرواية، كما لا يخفى. ۱۳۷

حمل بر تقيه

۱. صاحب «ذخيرة الصالحين» در بحث «كيفية صلاة العرّة جماعة» پس از
نقل صحیحہ ابن سنان از امام صادق(ع) که متن آن چنین است: «قال: سألتُه عنّ

۱۳۲. آخوند خراسانی، اللغات النيرة، ج ۲، ص ۷.

۱۳۳. طبسی نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ۲، ص ۸.

۱۳۴. شيخ طوسی، تهذيب الاحكام، ج ۲، ص ۲۲۸، ح ۱۰۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة،
ج ۵، ص ۱۵۹، ح ۳، ابواب مکان المصلی.

۱۳۵. کلینی، الکافي، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۱۳؛ شيخ طوسی، تهذيب الاحكام، ج ۲، ص ۲۲۸،
ح ۱۰۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۵۹، ح ۵، ابواب مکان المصلی.

۱۳۶. سلار ديلمی، المراسم العلوية، ص ۶۵؛ علامه حلی، مختلف الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۵.

۱۳۷. طبسی نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ۲، ص ۸۲.

قَوْمٌ صَلَّوْا جَمَاعَةً وَهُمْ عُرَاةٌ، قَالَ: يَتَقَدَّمُهُمُ الْإِمَامُ بِرُكْبَتَيْهِ وَيُصَلِّي بِهِمْ جُلُوسًا وَهُوَ جَالِسٌ»، ١٣٨ مى نويسد:

ولا يعارض ما في رواية قرب الاسناد عن الصادق (ع): فَإِنْ كَانُوا جَمَاعَةً تَبَاعَدُوا فِي الْمَجَالِسِ ثُمَّ صَلَّوْا كَذَلِكَ فُرَادَى. ١٣٩

فهذه الرواية محمولة على صورة الانفراد و عدم ارادتهم الصلاة جماعة او محمولة على التقية فانه على ما في الحدائق ١٤٠ منع جماعة من العامة إلا في الظلمة حذراً من بدو العورة. ١٤١

٢. مصنف در بحث «دوران صحّة السجود على الارض و عدمه» پس از نقل روایت معاوية بن عمّار: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ إِلَى أَنْ قَالَ: يُصَلِّي عَلَى الْفَيْرِ وَالْفُقْرِ وَيَسْجُدُ عَلَيْهِ» ١٤٢، مى نويسد:

ولكنه يعارضها صحيحة زرارة، قال: قُلْتُ لَهُ: أَسْجُدُ عَلَى الزَّفْتِ يَعْنِي الْفَيْرَ، فَقَالَ: لَا وَلَا عَلَى الثُّوبِ الْكُرْسُفِ ... الخ ١٤٣ مضافاً إلى حملها على الضرورة و على التقية ... «. ١٤٤

١٣٨. طبسى نجفى، تهذيب الاحكام، ج ٢، ص ٣٦٥، ح ٤٥؛ حر عاملى، وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٤٥٠، ح ١، ابواب لباس المصلّى.

١٣٩. حميرى، قرب الاسناد، ج ١، ص ٦٦؛ حر عاملى، وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٤٥١، ابواب لباس المصلّى.

١٤٠. بحراني، الحدائق الناضرة، ج ٧، ص ٤٩.

١٤١. طبسى نجفى، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٦٨-٦٧.

١٤٢. شيخ طوسى، تهذيب الاحكام، ج ٣، ص ٢٩٥، ح ٣؛ حر عاملى، وسائل الشيعة، ج ٥، ص ٣٥٤-٣٥٥، ح ٦، ابواب ما يسجد عليه.

١٤٣. كلينى، الكافي، ج ٣، ص ٣٣٠، ح ٢، شيخ طوسى، تهذيب الاحكام، ج ٢، ص ٣٠٣، ح ٨٢، حر عاملى، وسائل الشيعة، ج ٥، ص ٣٤٦، ح ١، ابواب ما يسجد عليه.

١٤٤. طبسى نجفى، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٧٩.

در بحث «صورة الاذان» پس از نقل روایت عبد الله بن سنان: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْإِذَانِ، فَقَالَ: تَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^{۱۴۵} می نویسد: «أقول: وهذه الرواية مخالفة لقول المشهور من حيث نقص التكبيرين من أول الاذان.»^{۱۴۶} او در ادامه می نویسد:

و روایة معلی بن خنيس، قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يُؤَدِّنُ فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...^{۱۴۷} خلاف ما في حديث عبد الله بن سنان المذكور. أقول: و هل الرواية منطبقة على ما عليه المشهور من الاذان؟ والمسألة لا تخلو عن إشكال، و الاظهر الاقوى ما عليه المشهور، لكونه خالياً عن المحذور.^{۱۴۸}

نحوه بررسی دلالت احادیث

پس از نقل مستندات روایی احکام، به نقد متن و بررسی دلالت آنها می پردازد. او با دقت های فقه الحدیثی، استفاده و برداشت خود را ذیل احادیث بیان کرده، هر جا که دلالت حدیث بر مقصود، ناتمام یا مخدوش باشد، ذکر می کند. در اینجا برای

۱۴۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۵۹-۶۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۱۴-۴۱۵، ح ۵، ابواب الاذان و الاقامة.

۱۴۶. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۸۸.

۱۴۷. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۶۱، ح ۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۱۵، ح ۶، ابواب الاذان و الاقامة.

۱۴۸. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۸۸.

آشنایی با نحوه بررسی دلالتی احادیث در «ذخیره الصالحین»، به ذکر نمونه هایی از آن می پردازیم:

۱. در ذیل روایت:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَضَّاحٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ (ع) يَتَوَارَى الْقُرْصُ وَيُقْبِلُ اللَّيْلُ ثُمَّ يَزِيدُ اللَّيْلُ ارْتِفَاعاً وَتَسْتُرُ عَنَّا الشَّمْسُ وَتَرْتَفِعُ فَوْقَ اللَّيْلِ حُمْرَةٌ وَيُؤَدُّنُ عِنْدَنَا الْمُؤَدِّثُونَ أَفْصَلِي حِينَئِذٍ وَأَفْطِرُ إِنْ كُنْتُ صَائِماً أَوْ أَنْتَظِرُ حَتَّى تَذَهَبَ الْحُمْرَةُ الَّتِي فَوْقَ اللَّيْلِ فَكَتَبْتُ إِلَيْ: أَرَى لَكَ أَنْ تَنْتَظِرَ حَتَّى تَذَهَبَ الْحُمْرَةُ وَتَأْخُذَ بِالْحَائِطَةِ لَدَيْكَ، ١٤٩

می نویسد:

اقول: لا تخلو الرواية عن اضطراب فانه إما أن يحمل على أن الاستتار يكفي إلا أنه يجب الانتظار تحصيلاً للقطع بتحقيقه وإما أن يحمل على عدم الكفاية فكيف أمره الامام عليه السلام بالاحتياط مع كون المقام من الشبهات الحكيمة التي رفعها على الامام عليه السلام؟ فالذي يظهر لهذا الاحقر حملها على التقية فان قوله: «أرى لك أن تنتظر» تكون تحصيلاً لتحقيق الاستتار و الامام (صلوات الله عليه) تطلقاً له ضرب له الاحتياط اللازم حفظاً لمذهبه. ١٥٠

٢. ذیل صحیحہ فضیل: «عَنْ أَحَدِهِمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ مَا يَنْتَصِفُ اللَّيْلُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً» ١٥١ و روایت عبید بن زرارة «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمْ يُصَلِّ شَيْئاً حَتَّى

١٤٩. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ٢، ص ٢٥٩، ح ٦٨؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٤، ص ١٧٦-١٧٧، ح ١٤، ابواب المواقیف.

١٥٠. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ٢، ص ١٢.

١٥١. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ٢، ص ١١٧، ح ٢١٠؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٤، ص ٢٤٨، ح ٣، ابواب المواقیف.

يَنْتَصِفَ اللَّيْلَ»، ١٥٢ مى نويسد:

اقول: ظاهر الروايتين كما في المتن على التأخير إلى النصف ولكن هذا لا يدل على التوقيف والتوقيت وأنه لا يكون مشروعاً قبل النصف، ومن المحتمل كون ذلك لاجل ادراك الفضيلة. ١٥٣

٣. در ذيل روايت على بن جعفر(ع):

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ قُطِعَ عَلَيْهِ أَوْ عَرِقَ مَتَاعُهُ فَبَيَّ عَرِيَانًا وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ كَيْفَ يُصَلِّي؟ قَالَ: إِنْ أَصَابَ حَشِيشًا يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَمَّ صَلَاتَهُ بِالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَإِنْ لَمْ يَصِبْ شَيْئًا يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَوْ مَاءً وَهُوَ قَائِمٌ، ١٥٤

مى نويسد:

اقول: ظاهر اطلاق المتن كون الحشيشة في حال الاختيار ايضاً يمكن التستر به ولكن هذه الرواية ناطقة بانها اذا لم يصب شيئاً من الثوب و اصاب الحشيشة يتستر به كما هو مورد السؤال بان الرجل قطع عليه. ١٥٥

٤. در ذيل روايت على بن جعفر(ع):

أَنَّهُ دَخَلَ حَمَامًا بِالْمَدِينَةِ فَأَخْبَرَهُ صَاحِبُ الْحَمَّامِ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) كَانَ يَدْخُلُهُ فَيَبْدَأُ فَيَطْلِي عَانَتَهُ وَمَا يَلِيهَا ثُمَّ يُلْفُ إِزَارَهُ عَلَى أَطْرَافِ إِحْلِيلِهِ وَيَدْعُونِي فَأَطْلِي سَائِرَ بَدَنِهِ، فَقُلْتُ لَهُ يَوْمًا مِنَ الْيَوْمِ: إِنْ أَلْدَى تَكَرَّرَ أَنْ أَرَاهُ قَدْ رَأَيْتَهُ، قَالَ: كَلَّا إِنَّ النُّورَةَ سَتَّرَهُ، ١٥٦

١٥٢. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٧٧، ح ١٣٧٥؛ حر عاملي، وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٢٤٨، ح ١، ابواب المواقيت.
١٥٣. طبسي نجفي، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٢٠.
١٥٤. شيخ طوسي، تهذيب الاحكام، ج ٢، ص ٣٦٥، ح ٤٧؛ حر عاملي، وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٤٢٨، ح ١، ابواب لباس المصلّي.
١٥٥. طبسي نجفي، ذخيرة الصالحين، ج ٢، ص ٥٤.
١٥٦. كليني، الكافي، ج ٦، ص ٤٩٧، ح ٧؛ شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٧، ح ٢٥٠؛ حر عاملي، وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٥٣، ح ١، ابواب آداب الحمام.

می نویسد:

قلت: الانصاف انّ هذه الرواية لا ظهور فيها للقول بالتخيير بل كما قلنا ناظرة فيما اذا كان الانسان فاقداً للثوب ثم بعد ذلك تصل التوبة إلى هذه الأمور لا أنّه أحد الافراد المخيرة فيها. ١٥٧

٥. در ذیل روایت:

كَانَتْ الشَّيْخَةُ تُسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ لُبْسِ السَّوَادِ، قَالَ: فَوَجَدْنَاهُ قَاعِدًا عَلَيْهِ جَبَّةٌ سَوْدَاءٌ وَفَلَنْسُوءٌ سَوْدَاءٌ وَخُفٌّ أَسْوَدٌ مِبْطَنٌ بِسَوَادٍ ثُمَّ فَتَقَ نَاحِيَةَ مِنْهُ وَقَالَ: أَمَا إِنَّ قُطْنَهُ أَسْوَدٌ وَأَخْرَجَ مِنْهُ قُطْنًا أَسْوَدًا، ثُمَّ قَالَ: بِيَضِّ قَلْبِكَ وَالْبَسْ مَا شِئْتَ، ١٥٨

می نویسد:

اقول: يستفاد من هذه الاخبار و غيرها مرجوحية لبسها خصوصاً مع ما يستفاد من بعضها: انّ ذلك لباس أهل النار. ١٥٩

٦. در ذیل روایت:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي (ع) يَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الزُّجَاجِ، قَالَ: فَلَمَّا نَفَذَ كِتَابِي إِلَيْهِ تَفَكَّرْتُ وَقُلْتُ: هُوَ مِمَّا أَتَيْتَ الْأَرْضَ وَمَا كَانَ لِي أَنْ (أَسْأَلَ) عَنْهُ، قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيَّ لَا تُصَلِّ عَلَى الزُّجَاجِ وَإِنْ حَدَّثْتُكَ نَفْسُكَ أَنَّهُ مِمَّا أَتَيْتَ الْأَرْضَ وَلَكِنَّهُ مِنَ الْمَلْحِ وَالرَّمْلِ وَهُمَا مَمْسُوحَانِ، ١٦٠

١٥٧. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ٢، ص ٥٤.

١٥٨. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ٢، ص ٣٤٧، ح ٥، باب ٥٦؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٤، ص ٣٨٥، ح ٩، ابواب لباس المصلی.

١٥٩. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ٢، ص ٥٩.

١٦٠. کلینی، الکافی، ج ٣، ص ١٨٧، ح ١٤؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ٢، ص ٣٠٤، ح ٨٧؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٥، ص ٣٦٠، ح ١، ابواب ما یسجد علیه.

می نویسد:

أقول: و من المحتمل انّ نسبة المسخ إليهما باعتبار صيرورتها حقيقة أخرى غير باقيتين على حالتها الاولية و اما القير فهو مثل الملح و العقيق و الذهب و الفضة مما خرجت عن عنوان الارض و إن كانت متكوّنة منها ... ۱۶۱

سیری در برخی احادیث نقل شده در «ذخیره الصالحین»

نگارنده این مقاله، پس از مصدربابی و تحقیق کتاب «ذخیره الصالحین» از ابتدای «صلاة» تا «فیما یتعلّق بافعال الصلاة» به نکاتی که حاصل پژوهش در ذیل احادیث نقل شده در این کتاب بوده، دست پیدا کرده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. در بحث «السجود علی القطن و الكتان» روایتی را از «الحسن بن علی بن کیسان» با این طلیعه نقل می کند: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (ع) أَسْأَلُهُ عَنِ السُّجُودِ عَلَى الْقُطْنِ ...» ۱۶۲، عنوان «الحسن بن علی بن کیسان» در برخی مصادر مانند «المعتبر» محقق حلی ۱۶۳، «المختلف» علامه حلی ۱۶۴ و «كشف اللثام» فاضل هندی ۱۶۵ نیز دیده می شود. محقق خویی ذیل عنوان «الحسین بن علی کیسان» می گوید: «أقول: لا یبعد وقوع التحریف فيه و الصحیح الحسن بن علی بن کیسان كما تقدّم فی أسناد عدة من الروایات» ۱۶۶. با این وجود در مصادری چون وسائل الشیعة ۱۶۷،

۱۶۱. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۷۹.

۱۶۲. همان، ص ۷۷.

۱۶۳. محقق حلی، المعبر فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۱۱۹.

۱۶۴. علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۸.

۱۶۵. فاضل هندی، كشف اللثام، ج ۳، ص ۳۴۳.

۱۶۶. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۴۹، ذیل عنوان «الحسین بن علی بن کیسان».

۱۶۷. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۴۸، ح ۷، ابواب ما یسجد علیه.

مدارك الاحكام^{۱۶۸}، الوافي^{۱۶۹}، الحدائق الناضرة^{۱۷۰} و جواهر الكلام^{۱۷۱} نام راوی با عنوان «الحسين بن علي بن كيسان» ضبط شده است.

۲. در همان بحث، روایتی را از «داود الصيرفي» با این طلیعه نقل می‌کند: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الثَّلَاثِ عَ (ع) هَلْ يَجُوزُ السُّجُودُ عَلَى الْقُطْنِ ...»^{۱۷۲}. عنوان مذکور، در «المختلف» علامه^{۱۷۳} و «شرح الرسالة الصلواتية» شیخ یوسف بحرانی^{۱۷۴} نیز وجود دارد، اما در مصادری چون «المعتبر» محقق حلّی^{۱۷۵}، «التذكرة» و «المنتهی» علامه حلّی^{۱۷۶}، «الذکری» شهید اول^{۱۷۷}، «الحدائق» بحرانی^{۱۷۸} و «جواهر الكلام» نجفی^{۱۷۹} عنوان «داود الصرمي» ضبط شده است.

۳. مصنف در «الفصل الثاني في أوقاتها»، تنبیه هفتم «في عدم جواز النوافل قبل الزوال» صحیح زرار را این گونه نقل می‌کند: «كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) لا يصلي من الليل شيئاً إذا صلى العتمة حتى ينتصف الليل، ولا يصلي من النهار حتى تزول الشمس»^{۱۸۰}، در حالی که روایت زرار در مصادر حدیثی

۱۶۸. عاملی موسوی، مدارك الاحكام، ج ۳، ص ۲۴۷.

۱۶۹. فیض کاشانی، الوافي، ج ۸، ص ۷۴۲.

۱۷۰. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۵۰.

۱۷۱. نجفی، جواهر الكلام، ج ۸، ص ۴۲۵.

۱۷۲. طبسی نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ۲، ص ۷۷.

۱۷۳. علامه حلّی، مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۷.

۱۷۴. بحرانی، شرح الرسالة الصلواتية، ص ۴۱.

۱۷۵. محقق حلّی، المعتبر في شرح المختصر، ج ۲، ص ۱۱۹.

۱۷۶. علامه حلّی، تذكرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۴۷؛ منتهی المطلب، ج ۴، ص ۳۵۵.

۱۷۷. شهید اول، الذکری، ج ۳، ص ۱۴۰.

۱۷۸. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۴۹.

۱۷۹. نجفی، جواهر الكلام، ج ۸، ص ۴۲۵.

۱۸۰. طبسی نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ۲، ص ۲۷.

چنین ثبت شده است: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ (ع) لَا يُصَلِّي مِنْ اللَّيْلِ شَيْئًا إِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ ...». ۱۸۱ به نظر می آید مصنف با اعتماد به کتاب جواهر الکلام ۱۸۲ روایت را این گونه در کتاب خود نقل کرده است، گرچه هنگام نقل این روایت، نامی از «جواهر الکلام» نمی برد.

۴. در «الفصل الثانی فی أوقاتها»، در ذیل «المسألة الأولى» به نقل از «کشف اللثام» روایت نبوی (ص) را این گونه نقل می کند: «و عن النبي (ص) من فاتته فريضة فليقضها إذا ذكرها ما لم يتم يتضيق وقت حاضرة» ۱۸۳. نگارنده پس از تحقیق فراوان در مصادر حدیثی، روایتی نبوی با این لفظ پیدا نکرد، بلکه آنچه در برخی منابع ضبط شده، بدین شرح است:

محقق حلی روایت را بدون آنکه به پیامبر (ص) نسبت دهد، این گونه نقل می کند: «لقوله عليه السلام: من فاتته فريضة فليقضها إذا ذكرها ما لم يتضيق وقت حاضرة» ۱۸۴. صاحب جواهر به نقل از «رسیات» سید مرتضی می گوید: «والآخر المروي عن رسيات المرتضى من ترك صلاة ثم ذكرها فليصلها إذا ذكرها، فذلك وقتها» ۱۸۵. در عوالی اللثالی به نقل از پیامبر (ص) چنین آمده است: «مَنْ فَاتَتْهُ فَرِيضَةٌ فَلْيَقْضِهَا كَمَا فَاتَتْهُ» ۱۸۶.

۵. در «الفصل الثالث فيما يتعلق بالقبلة» ذیل این عبارت از تبصره: «والمصلي في الكعبة يستقبل أي جدرانها شاء» روایت را این گونه نقل می کند: «تصلح صلاة المكتوبة

۱۸۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۹۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۱، ح ۶، ابواب المواقیت.

۱۸۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۱۸۳.

۱۸۳. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۳۲.

۱۸۴. محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۶۰.

۱۸۵. نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۸۴.

۱۸۶. احسائی، عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۵۴.

في جوف الكعبة»^{۱۸۷}. این حدیث با این لفظ در وسائل الشیعة^{۱۸۸} ضبط شده است. صاحب وسائل پس از نقل این روایت می گوید: «أقول: لفظه (لا) هنا غير موجودة في النسخة التي قوبلت بخط الشيخ وهي موجودة في بعض النسخ وعلى تقدير عدم وجودها فهو محمول على الجواز وما تقدم على الكراهة»^{۱۸۹} با این وجود در نسخ موجود از تهذیب^{۱۹۰} و استبصار^{۱۹۱} لفظ «لا تصلح» درج شده است. برای مثال شیخ طوسی در استبصار در «باب الصلاة في جوف الكعبة» نخست سه روایت را نقل می کند:

۱. أَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي جَدِّ الْقُمِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَا تُصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ فِي الْكَعْبَةِ فَإِنَّ النَّبِيَّ (ص) لَمْ يَدْخُلِ الْكَعْبَةَ فِي حَجِّهِ وَلَا عُمْرَةٍ وَلَكِنَّهُ دَخَلَهَا فِي الْفَتْحِ فَتَحَ مَكَّةَ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ وَمَعَهُ أَسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ.

۲. عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ وَفَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع)، قَالَ: لَا تُصَلِّحُ صَلَاةَ الْمَكْتُوبَةِ فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ.

۳. فَأَمَّا مَا رَوَاهُ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): حَضَرَتْ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَأَنَا فِي الْكَعْبَةِ أَفَأُصَلِّي فِيهَا؟ قَالَ: صَلِّ. ۱۹۲.

آنگاه شیخ در ذیل این سه روایت این گونه توضیح می دهد:

فَلَا يُتَأْفَى هَذَا الْخَبْرَ الْخَبْرَيْنِ الْأَوَّلَيْنِ؛ لِأَنَّ الْوَجْهَ فِي هَذَا الْخَبْرِ أَنَّ نَحْمِلُهُ

۱۸۷. طبسی نجفی، ذخیره الصالحین، ج ۲، ص ۳۹.

۱۸۸. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۵، ابواب القبلة.

۱۸۹. همان.

۱۹۰. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۷۹، ح ۱۲.

۱۹۱. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۲.

۱۹۲. همان، ح ۱ و ۲ و ۳.

عَلَى حَالِ الضَّرُورَةِ الَّتِي لَا يَتِمَّكَنُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْخُرُوجِ مِنْهَا فَحَيْثُ يَجُوزُ لَهُ
الصَّلَاةُ فِيهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ مَكْرُوهٌ غَيْرٌ مَحْظُورٌ وَقَدْ صَرَّحَ بِذَلِكَ فِي قَوْلِهِ: «لَا
تَصْلُحُ صَلَاةُ الْمَكْتُوبَةِ فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ» وَذَلِكَ صَرِيحٌ بِالْكَرَاهِيَةِ وَالْخَبَرُ
الْأَوَّلُ وَإِنْ كَانَ لَفْظُهُ لَفْظَ النَّهْيِ فَمَعْنَاهُ الْكَرَاهِيَةُ بِدَلَالَةِ مَا فَسَّرَهُ فِي الْخَبَرِ
الثَّانِي وَمَا وَرَدَ مِنْ جَوَازِهِ فِي الْخَبَرِ الثَّلَاثِ. ۱۹۳

بعید نیست که با این بیان شیخ بگویم لفظ «لا تصلح» صحیح است .

۶. در «الفصل الرابع في اللباس» ذیل عبارت (و) کذا یکره له الصلاة في
(القباء المشدود في غير الحرب» می گوید: «قلت: ولعلّ المستند فيه ما روى
العامّة أنّ النبي (ص) قال: لا يصلي أحدكم وهو محزّم». ۱۹۴ این روایت با این لفظ
در «الذکری» ۱۹۵، «جامع المقاصد» ۱۹۶، «روض الجنان» ۱۹۷، «بحار الانوار» ۱۹۸،
«الحدائق الناضرة» ۱۹۹ نقل شده است، اما در منابع عامّه به چنین متنی دست
نیافتیم، بلکه آنچه موجود است به لفظ «نهی أن يصلي الرجل حتى يحتزم» ۲۰۰،
«نهی (ص) أن يصلي الرجل بغير حزام» ۲۰۱، «أنه (ص) أمر بالتحزم في الصلاة» ۲۰۲ و
«... أن لا يصلي الرجل إلا وهو محتزم» ۲۰۳ نقل شده است.

۱۹۳. همان، ص ۲۹۹.

۱۹۴. طبسی نجفی، ذخيرة الصالحين، ج ۲، ص ۶۰.

۱۹۵. شهيد اول، الذکری، ص ۱۴۸ (چاپ سنگی).

۱۹۶. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۰۹.

۱۹۷. شهيد ثانی، روض الجنان، ج ۲، ص ۵۶۵.

۱۹۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۰۸.

۱۹۹. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۱۴۴.

۲۰۰. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۷۸؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲۰۱. ابی داود، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۳۳۶۹.

۲۰۲. ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث، ج ۱، ص ۳۶۵.

۲۰۳. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۵۸.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم

۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنّاحی، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.

۳. اندلسی، ابن رشد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تنقیح و تصحیح خالد عطّار، ج ۱، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.

۴. ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، تحقیق و تعلیقه سعید محمد لحام، ج ۲، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۵. احسائی، ابن ابی جمهور محمد بن علی، عوالي اللئالی، ج ۲، قم، دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ. ق.

۶. أحمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، بیروت، دار صادر، بی تا.

۷. آخوند خراسانی، محمد کاظم، اللمعات النيرة، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ. ق.

۸. اعلمی حائری، محمد حسین، دائرة المعارف الشيعية، ج ۱۶، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ. ق.

۹. تهرانی، آقا بزرج، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱ و ۳ و ۱۰ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۱، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۱۰. _____، طبقات اعلام الشيعة (نقباء البشر في القرن الرابع عشر)، ج ۲، مشهد، دارالمرتضى للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ. ق.

۱۱. امین، سید حسن، مستدرکات اعیان الشيعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ هـ. ق.

۱۲. امینی، محمد هادی، معجم المطبوعات النجفية، نجف، مطبعة الآداب،

- چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، تصحيح و تحقيق محمد تقی ایروانی و سيد عبدالرزاق مقررّم، ج ۷، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۱۴. _____، شرح الرسالة الصلّاتية، تصحيح و تحقيق ابواحمد عادل بن احمد بحرانی، بوشهر، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۵. بيهقي، احمد بن حسين، السنن الكبرى، ج ۲، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۱۶. پورامينی، محمد امين، نگرشی کوتاه بر زندگی پربار حضرت آية الله طبسی.
۱۷. جوهری، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق احمد غفور عطّار، بيروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، ج ۴، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۹. حرزالدین، محمد، معارف الرجال في تراجم العلماء و الأدباء، تعليقه محمد حسین حرزالدین، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۲۰. حلّی، جمال الدین احمد بن محمد، المهذب البارع، تصحيح و تحقيق: مجتبی عراقی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۲. خویی سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۶، قم، مدينة العلم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۳. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامي، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ. ش.

۲۴. سلار ديلمى، حمزة بن عبدالعزيز، المراسم العلوية في الأحكام النبوية،
تصحیح و تحقيق محمود بستانى، قم، منشورات الحرمين، چاپ اول،
۱۴۰۴هـ. ق.

۲۵. ريحان يزدى، سيد عليرضا، آيينه دانشوران، مقدمه و تعليقات ناصر باقرى
بيدهندى، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، چاپ
سوم، ۱۳۷۲هـ. ش.

۲۶. سبحانى، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، قم، مؤسسه امام
صادق(ع)، ۱۴۱۸هـ. ق.

۲۷. سيد بن طاووس، رضي الدين على، فلاح السائل ونجاح المسائل، قم،
انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶هـ. ق.

۲۸. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى، ذكرى الشيعة، ج ۳، قم، مؤسسه آل
البيت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ. ق.

۲۹. شهيد ثانى، زين الدين بن على عاملى، روض الجنان، ج ۲، قم، دفتر
تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۰۲هـ. ق.

۳۰. شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه، علل الشرائع، ج ۲، قم، كتابفروشى
داورى، چاپ اول، ۱۳۸۶هـ. ق.

۳۱. _____، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامى،
چاپ دوم، ۱۴۱۳هـ. ق.

۳۲. شيخ طوسى، ابو جعفر محمد بن الحسن، المبسوط في فقه الامامية، تصحيح
و تحقيق سيد محمد تقى كشفى، ج ۱، تهران، المكتبة المرتضوية، چاپ
سوم، ۱۳۸۷هـ. ق.

۳۳. _____، تهذيب الأحكام، ج ۲، تهران، دار الكتب الاسلامية، چاپ
چهارم، ۱۴۰۷هـ. ق.

۳۴. _____، مصباح المتهجد، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ. ق.
۳۵. _____، الاستبصار، ج ۱، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۹۰هـ. ق.
۳۶. طبسی، محمد جعفر، منية الراغب في ايمان ابى طالب (ع)، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶هـ. ش.
۳۷. طبسی نجفی، محمد رضا، مقتل الامام الحسين (ع)، تحقيق و تعليقه محمد پورامينی، قم، مؤسسه محيین، چاپ اول، ۱۴۲۴هـ. ق.
۳۸. _____، ذخيرة الصالحين في شرح تبصرة المتعلمين، ج ۱، (نسخه خطی).
۳۹. عاملی موسوی، محمد بن علی، مدارك الاحكام، ج ۳، بيروت، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ. ق.
۴۰. علامه حلی، الحسن بن يوسف بن مطهر، تذكرة الفقهاء، ج ۲، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ. ق.
۴۱. _____، تبصرة المتعلمين، تصحيح و تحقيق محمد هادی يوسفی غروی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ. ق.
۴۲. _____، مختلف الشيعه، ج ۲، قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳هـ. ق.
۴۳. _____، منتهی المطلب، ج ۴، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۲هـ. ق.
۴۴. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۱، بيروت، مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ. ق.

۴۵. فاضل هندی، محمد بن الحسن، كشف اللثام، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۴۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، کتاب الوافی، تصحیح و تحقیق ضیاء الدین حسینی اصفهانی، ج ۷، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۴۷. محقق کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد، ج ۲، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۳، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۴۹. مجله حوزه، سال ششم (مهر ماه ۱۳۶۸ هـ. ش)، شماره ۳۴.
۵۰. مجله کیهان فرهنگی، بهمن ۱۳۶۳ هـ. ش، شماره ۱۱.
۵۱. محقق حلّی، جعفر بن الحسن، المعتبر فی شرح المختصر، تصحیح و تحقیق محمد علی حیدری و دیگران، ج ۲، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۵۲. _____، شرائع الاسلام، با تحقیق و تعلیق عبدالحسین محمد علی بقال، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۵۳. نجفی، محمد حسن، نجات العباد، (چاپ سنگی)، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۴. _____، جواهر الکلام، تصحیح و تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ. ق.